

**پیشنهادهایی به ۶ نامزد ریاست جمهوری**

# خطر نگاه قومیت‌گرا در سیاست‌گذاری آب



زینب موزوقی خبرنگار گروه بند روز

باتوجه به تغییرات اقلیمی و جهان‌گرمایی امروز اغلب کشورهای جهان با مشکلات و چالش‌های محیط‌زیستی دست و پنجه نرم می‌کنند. باتوجه به اینکه ایران در کمربند خشک و نیمه خشک جهان قرار دارد، تاثیر تغییرات اقلیمی روی این کشور بیشتر است. یکی از چالش‌های اساسی محیط‌زیستی چندسال گذشته کشور، مدیریت منابع آب کشور است. بسیاری از کارشناسان محیط‌زیستی و پژوهشگران حوزه آب معتقدند اساسا ایران، کشور کم‌آبی است و این استدلال نیز به‌طور تاریخی قابل اثبات است.
حالا در میان این کم‌آبی‌ها گنگداری هم ترسالی بود و سیل‌هایی هر چندسال یک‌بار به وجود می‌آمدند اما در مجموع آنچه کارشناسان خبره حوزه آب به آن باور دارند، زخم کهنه کم‌آبی

**مهدی اسماعیلی، عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران:**

## فهم سیاسیون در عدالت آب متفاوت است

کارشناسان حوزه آب معتقدان از خرده‌چالش‌های جدی امروز آب تاثیر تقسیمات سیاسی استان‌ها روی حوضه‌های آبریز مختلف کشور است، وقتی که یک رودخانه، تالاب یا دریاچه مشترک وجود دارد اما تقسیمات سیاسی استان باعث ایجاد تعارضات محلی می‌شود.
همچنین از دیگر چالش‌ها، برداشت‌های بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و فرونشست‌هایی است که بر اثر این برداشت‌ها ایجاد می‌شود.
مهدی اسماعیلی، عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران، چالش‌های جدی امروز آب کشور را در گفت‌وگوی زیر برشمرده است.

**اکنون اصلی‌ترین چالش‌ها در حوزه آب کشور چیست؟**

در حوزه چالش‌هایی که در مورد منابع آبی کشورمان چه به لحاظ کیفی، کمی و مدیریتی رویه روز هستیم؛ یکی از مهم‌ترین آنها این است که برنامه‌ریزی برای منابع آب بر مبنای برنامه‌ریزی در حوضه آبریز نیست، وقتی برنامه‌ریزی براین اساس نیست، یک زمانی در دولت‌های قبل برنامه‌ها را استان محور کردند که مرز سیاسی استان از مرز حوضه آبریز متفاوت است و یک چالش‌های زیادی را به وجود آورد و این در حد کم‌آمان باقی است. شمای می‌بینید که یک حوضه آبریز، یک رودخانه، یک تالاب، یک حوضه آبی مشترک بین چند استان وجود داشته باشد، درحالی که ممکن است، مصرف‌کننده نهایی و سرچشمه نهایی آن در یک استان وجود داشته باشد و این باعث می‌شود که تعارضات محلی، سیاسی یا قومیتی شکل بگیرد، مثل مشکلی که در کهگیلویه و بویر احمد و استان اصفهان، یزد و خوزستان شاهد بوده و هستیم.
یکی دیگر از مشکلات در علم برنامه‌ریزی درون حوزه‌ای برمی گردد، یعنی الان شما مشکل تامین منابع آب را چه در حوزه صنعت، چه در یاری‌های مولد در مورد شرب، چه برای امور کشاورزی دارید. ولی برای اینکه این مشکل را حل کنید و به جای اینکه نگاه‌تان داخل حوضه آبریز باشد، به دنبال طرح‌های انتقال آب از سایر حوضه آبریز هستید، یعنی شیرین‌سازی آب دریا و انتقال آن به کانون‌های هدف. کانون‌های هدف هم، صنعت هستند در ظاهر هم پوششی در مصوبات درست می‌کنند که ما می‌خواهیم برای شرب این کار را انجام دهیم در حالی که عمده مصرف اینها در صنعت است. مثل همان طرحی که به فلات مرکزی ایران می‌رود. درست است که در بین راه شهر و روستا را ممکن است سیراب کند یا کیفیت آب آنها را بهبود ببخشد اما مشکل اساسی که وجود دارد این است که صنایعی مثل فولاد، معادن و… هستند که مشتری نهایی اینها هستند و خودشان هم برای انتقال این آب، سرمایه‌گذاری می‌کنند. این به مرور به تعارضات اجتماعی دامن می‌زند، چون آن حوضه آبریزی که آب در آن شیرین و منتقل می‌شود، عمدتاً حوضه‌های کم‌برخورا در لحاظ رشد یا فتگی اقتصادی و اجتماعی است؛ استانی مثل سیستان و بلوچستان، هرمزگان، استان‌های هستند که جلوی چشم آنها آب شیرین می‌شود، پس‌اب آن تصفیه می‌شود، وارد دریا می‌شود. اقتصاد دریا محور مبنی بر صید و صیادی متاثر شده و این باب دچار چالش می‌شوند. اما آب آن را صنعتگران استان کرمان، یزد و اصفهان مصرف می‌کنند. اینها رقابتی چارین نمایندگان مجلس ایجاد می‌کنند که اگر فشار استیضاح و رای اعتماد را روی هردولتی چه دولت چهارم چه دولت دیگر دارند. این اهرم فشار منجر به ایجاد رقابت برای تصویب طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای می‌شود و این موضوع خواهد بود فرد نماینده یک شهر دیگر هم می‌گوید آب را شیرین کنید، مثلا از خلیج فارس برای ما بفرستید و به این شکل کشور، دچار چالش دیگری می‌شود و از چالش سدسازی‌های بی‌حساب و کتاب، وارد چالش انتقال آب‌های بی‌حساب و کتاب می‌شود. برنده این بازی هم شرکت‌های پیمانکاری هستند که این طرح‌ها را اجرا می‌کنند. یک زمانی نفع و سود این شرکت‌ها در ساخت سد بود، حالا نفع و سودشان طرح‌های انتقال آب شده است، به خاطر همین جوری جلوه می‌دهند که تنها و بهترین گزینه، طرح‌های انتقال آب است؛ از طرف دیگر داوطلبان و نامزدها باید برنامه‌شان را اشفاف بگویند، برای تامین منابع آب و مصارف آب، اولویت آنها برای سربزمین است. پس باید نشان دهند که اگر اولویت تامین کردن آب باشد، می‌گویند من در صنعت دارم که نیاز به آب دارم، پس به هرطریقی شده آب را آنجا می‌برم اما اگر اولویت شما آمایش باشد می‌گویند یک صنعتی

**کامران داوری، عضو هیات‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد:**

## ملی بودن آب به معنای دولتی بودن آن نیست

کارشناسان و پژوهشگران مدیریت آب کشور معتقدند حلقه گمشده امروز چالش‌های آب، دقیق‌ه‌مان مدیریت آب است. البته این امر به عوامل بیرونی و داخلی بستگی دارد؛ یکی از مسائل مورد غفلت در حوزه مدیریت آب کشور، عدم توجه به نثار آبی آب یا همان بیلان منفی است. کامران داوری، عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد در گفت‌وگو با «فهیختگان» می‌گوید چالش‌های امروز آبی دو عامل بیرونی و درونی دارند. او در گفت‌وگویی به تفصیل دلایل چالش‌های امروز آب در ایران را واکاوی و تحلیل کرده است.

**در حوزه آب کشور در چند سال اخیر یا توجه به خشکسالی‌ها و تغییر اقلیم؛ با چالش‌های جدی همراه بوده‌ایم. عوامل این چالش‌ها که مورد غفلت دولت‌ها واقع شده چیستند؟**
مساله کمی پیچیده است، به عقیده من وضعیت امروز آب کشور به دلیل دسته‌ای از عوامل بیرونی و خواجه از کنترل و درونی و تحت کنترل ایجاد شده است. منظور این است که بخشی درون سیستم مدیریت آب کشور هستند. مهم‌ترین عوامل بیرونی هم تغییرات اقلیمی است. تغییر اقلیم اتفاقی است که از سال‌ها پیش مطرح شده است و دنیا اکنون وقتی می‌خواهد نفس بکشد، ما در قاب است، کاری که برنامه‌ریزی می‌کند در آینده و چند دهه بعد چه اثری بر تغییر اقلیم می‌گذارد. در نتیجه تصمیم رابراساس اثر تغییر اقلیم اتخاذ می‌کند و نقطه‌ای تصمیم نمی‌گیرد، بلکه جامع‌است. اطراف مساله ر‌ا می‌سنجد و به‌تمام عواقب آن می‌اندیشد.سپست تصمیم اتخاذ می‌شود.متأسفانه در کشور ما هنوز به‌طور رسمی و طبق ضابطه‌های وزارت نیرو یا حتی ضابطه‌های جهاد کشاورزی، امری به‌نام لحاظ کردن تغییرات اقلیمی نداریم. همین چند روز گذشته، وزارت جهاد کشاورزی برای مساله تغییر اقلیم جلسه‌ای داشت. این جلسه بسیار دیرهنگام تشکیل شد. سال‌هاست عضو تشکیلات بین‌المللی هستیم ولی در داخل کشور هیچ اقدامی نمی‌کنیم. سایر عوامل بیرونی هم عبارتند از تغییرات جمعیتی، مباحث اقتصادی مانند تحریم فناوری‌ها… البته فناوری‌ها عوامل مثبت به‌شمار می‌آیند و فناوری‌های جدید معمولاً فرصتی به‌وجود می‌آوردند اما کارهای گذشته‌مان را با بهره‌وری بیشتر انجام دهیم، مثلاً گلخانه‌ها اکنون بهره‌وری بیشتری نسبت به گذشته دارند. در توضیح عوامل درونی باید بدانیم مدیریت آب دو اصل بیشتر ندارد؛ یکی از اصول اساسی آن برنامه داشتن و تخصیص صحیح است، یعنی درصدی از تجدیدپذیری که در اختیار ما می‌ماند، نه آن تجدیدپذیری که روان آب و سیلی می‌شود و می‌رود. دنیا می‌گوید درصدی که در اختیار ما می‌ماند، ۴۰ درصد است. شورای عالی آب اما در پانزدهمین جلسه خود ۷۵ درصد از آب تجدیدپذیر را قابل اخذ دانست. اکنون تخصیص‌های ما در اغلب دشت‌هایمان بالای صدهرصد است، یعنی برداشت‌های ما از آب‌های تجدیدپذیر بالای صددرصد است، در خراسان رضوی و در دشت مشهد برداشت‌ها از آب‌های تجدیدپذیر ۱۷۸ درصد است. این رقم طبق گفته دکتر زهرایی است که در چهار سال گذشته دیر کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی بود. طبق محاسبه من نیز تقریباً ۱۳۰ درصد از آن مصرف می‌شود و آن ۵۰ درصد هم آب‌های برگشتی است. یعنی ما نه تنها ۴۰ درصد برداشت از آب‌های تجدیدپذیرمان نداریم، بلکه ۷۵ درصد هم نیست و ۱۰۰٪ بالاتریم. پس اصل اول مدیریت داخلی آب، تخصیص صحیح است که ما آن را مدیریت نکرده‌ایم. دومین اصل این است که آن تخصیص‌ها باید کنترل و به‌طورکلی وضعیت منابع آب پایش شود تا درآییم نتیجه تصمیم‌هایمان در حوزه آب چیست ؟ برداشت آب بالا رفت؟ آب

و خشکسالی است. اما این زخم کهنه وقتی عمیق تر شد که منابع آبی کشور به درستی مدیریت نشدند و تصمیمات متولیان و مسئولان آب کشور آبنده نگر و جامع نبود. امروز مساله آب در کشور ما به یک ابرچالش جدی در حوزه محیط‌زیست تبدیل شده است و چالش‌های جدی و اساسی پیش‌روی ماست. با توجه به باور کارشناسان حوزه آبی منی بر کم‌آبی دیرینه ایران، اما انگار حلقه مفقوده در حوزه آبی ما سیاست‌گذاری اصولی و مدیریت منابع آبی است. می‌توان گفت با هر بار ترسالی و خشکسالی، ما دچار بحران می‌شویم و پس از به‌وقوع پیوستن بحران، مسئولان حوزه آبی ما چاره‌ای می‌اندیشند. آنچه در این بین مغفول مانده، برنامه‌ای اساسی و بلندمدت براساس اقلیم کلی و ثابت ایران است، یعنی به‌طور مدون و منظم از سوی سیاست‌گذاران مشخص شده باشد که در صورت وقوع ترسالی یا خشکسالی چه اقداماتی باید پیش گرفته شود و پیش از وقوع چه کارهایی برای مدیریت مساله لازم است. می‌توان این‌را به جرأت گفت که هر بار یا

وقوع خشکسالی یا ترسالی، سیاست‌گذاران حوزه آبی کشور دچار بهت و شوک می‌شوند و تنها به اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت در بحران بسنده می‌کنند. البته به جز مدیریت منابع آب و سیاست‌گذاری اصولی براساس واقعیت‌های موجود حوضه‌های آبریز، خرده چالش‌هایی به دنبال مساله آب کشور وجود دارد. مسائلی مانند آلودگی آب، نگاه قومی به تصمیمات اتخاذشده در حوضه‌های آبریز، عدم توسعه زیرساخت‌های آب کشور و کمبود شبکه‌های اصولی و مدرن آبی و کمبود تجهیزات، آلودگی آب‌های سطحی، عدم شفافیت بودجه آب کشور و احداث تجهیزات در عدم دسترسی تمام شهروندان به آب سالم از خرده چالش‌های جدی در کلان چالش آب کشور است. با توجه به تغییرات سیاسی کشور، تقریباً ده‌هفته دیگر تا انتخابات باقی مانده است. اصلی‌ترین مساله در حوزه محیط‌زیست کشور، چالش‌های آبی موجود است. با وجود شروع فعالیت‌های انتخاباتی و تبلیغات اما همچنان هیچ‌کدام از شش کاندیدای تأیید صلاحیت شده،

به چالش‌های آبی کشور اشاره‌ای نداشته‌اند. با این حال اما باید دید محیط‌زیست و رفع چالش‌های آبی، دغدغه کدام کاندیدا خواهد بود و رئیس دولت چهاردهم چه راهکارهایی برای چالش‌های آبی کشور دارد؟
آیا منابع آبی ایران، براساس ظرفیت‌ها و آسیب‌های واردشده و با د نظر گرفتن سهم آیندگان مدیریت خواهد شد؟ متولیان جدید حوزه آب، باز هم قرار است تنها برنامه چهار و هشت‌ساله تدوین کنند یا بالاخره قرار است تغییرات اقلیمی در تدوین برنامه آب کشور لحاظ شود؟ عدالت آب و حق دسترسی هر شهروند از نگاه مدیران دولت چهاردهم چه خواهد بود؟
واقعیت این است که پاسخ به این پرسش‌ها به درک مدیران جدید دولت چهاردهم از چالش‌های آبی کشور بستگی دارد و باید دید اساساً مساله مدیریت آب و چالش‌های آب تا چه اندازه برای مدیران دولت جدید مهم است.

عبور آب شدت و ضعف دارد اما به نوعی می‌شود گفت همه به هم مرتبط است. این حقباه‌ها رام دولت باید بامتون دیدم‌اسی، برنامه ویژه‌ای در نظر بگیرد که یک بار برای همیشه مساله‌اش برطرف شود، چون در مواقعی که کشور مبداء که بالادست مابه حساب می‌آید، در بحران سیل فرا می‌گیرد آب را به سمت ما رها می‌کند اما در مواقعی که نیاز به آن منابع آب داریم، جلوی آن را می‌گیرد یا اگر در کشور خودش استفاده هم نمی‌شود بایدنده‌های دیگر منحرف می‌کند که ما نتوانیم استفاده کنیم؛ اینها می‌طلبد که نگاه محکم‌تری به این قضیه داشته باشیم. نکته دیگر اینکه بحث کشت فراسرزمینی برای جلوگیری از هدررفت منابع آب در کشورمان است. حالانه اینکه محصولات استراتژیک مثل گندم و جو را در کشور کشت نکنیم؛ منظور این است که محصولاتی داریم که آب بر هستند اما استراتژیک هم نیستند. این محصولات را هم صادر می‌کنیم، در صورتی که می‌توانیم اینها را کشت فراسرزمینی کنیم؛ بهتر از این است که محصول را در خارج از کشورمان کشت کنیم. منابعی که می‌تواند خرج موارد دیگری بشود را مصرف می‌کنی ولی ارزش افزوده آنچنان برای ما به همراه ندارد.

**چالشی که به‌منظر می‌رسد ما با آن روبه‌رو باشیم، نگاه فومی به یک سری منابع آبی کشورمان است. اگر مدیران انرژی و آب کشورمان را در چندسال اخیر بررسی کنیم، می‌بینیم عمدتاً از استان‌های کویری و خشک هستند. این انتخاب‌ها ممکن است حتی ناسی‌انجام‌آید کند در استان‌هایی مثل چهارمحال و بختیاری و خوزستان که همیشه نگران این هستند مبادأ آب از سرشخه به استان‌های کویری مثل اصفهان و یزد انتقال داده شود. به نظران چقدر نگاه قومی به مساله انتقال آب وجود دارد؟**

ما بحثی داریم، تحت عنوان عدالت آب، که در آن فهم افراد و سیاسیون مافوتات است. یکی اینکه عدالت آب را در عدالت توزیع می‌دانند. می‌گویند شهروندی، در هر استانی باید همان میزان آب در اختیارش باشد که یک شهروند در یک استان دیگر آن را در اختیار داشته‌اند، اما این را در نظر نمی‌گیرد که این عدالت توزیعی در همه موارد ساری و جاری نمی‌شود. من نمی‌توانم بگویم که همان مقدار نفت که در اختیار استان تهران است، همان مقدار هم در اختیار استان خوزستان باشد. این ثروت ملی در چند نقطه محدود جغرافیایی در کشور ماست، که استخراج می‌شود و فروش حاصل از آن بین استان‌های مختلف توزیع می‌شود، اما در مورد آب که مقوله انتقالش مطرح است، تصور دولتمردان ما این است که ما باید این رابه هر نقطه‌ای از کشور که می‌خواهیم، ببریم؛ یعنی اگر در یک نقطه برآب، شما یک صنعت آب بر هم داشته باشید، استانی که کم‌آب است، می‌گوید من چرا این صنعت را نداشته باشم و به دنبال داشتن این صنعت است و برای تأمین آب هم می‌گوید آب برای من هم باید فراهم شود چون من هم می‌خواهم مثل استان‌های دیگر آب داشته باشم. دقت نکرده در استان خودش ظرفیت‌های ثروت‌آفرینی دیگری وجود دارد که شاید لزوماً به این میزان آب نیازی نداشته باشد. من فکر می‌کنم اگر دولتمردان، آمایش سرزمینی براساس ثروت‌آفرینی‌ی‌انجام دهند، ممکن است استانی که درحال حاضر با چالش آب در صنعت یا کشاورزی روبه‌رواست دیده‌شود که ظرفیت آن استان برای ثروت‌آفرینی، در حوزه‌ای مثل گردشگری است؛ اصلاً ظرفیت کشاورزی یا صنعتی شدن را به لحاظ وجود پارمترهای مختلف از جمله آب کافی و پایدار ندارد. اما همین دولتمردان قومی و استانی به دنبال این هستند که آب را بکشند و به سمت استان خودش ببرند. از طرف دیگر وقتی اینها در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی در حوزه حکمرانی آب قرار دارند، سعی می‌کنند منافع صنعتگران و کارآفرینان بخش خصوصی استان خودشان را به تأمین کنند. این چالش دیگر است، یعنی اینکه دنبال تأمین آب برای استان خودش باشند، یک بحث است، بحث دیگر این است که صنعتگران که در استان دیگر فعال می‌شوند هم به اینها فشار می‌آورند می‌گویند ما که یک آشنا در وزارت نیرو داریم که هم استانی است اگر با کمبود آب مواجه شدیم به فلاحتی فشار می‌آوریم که مشکل کمبود آب ما را جبران کند.

شور شد؟ اینها را باید بتوانیم تشخیص دهیم. متأسفانه این امر هم به درستی انجام نمی‌شود و بیلان‌هایی که در بسیاری از تحقیقات مطالعاتی بسته می‌شوند، بیلان‌های ضعیفی هستند؛ چراکه هم داده‌های دقیقی ندارند و هم اینکه با تاخیر بسته می‌شوند. وقتی هم خوب است، چند سال بعد نتیجه‌اش می‌آید که مدیر تغییر کرده، بنابراین این دو اصل یعنی تخصیص صحیح و کنترل و پایش وجود ندارند. این دو عامل داخلی هستند و نتیجه این رفتار به‌این منجر شده که جاه‌پریداشت‌های اضافه داشته‌باشند و جاه‌های غیرمجازا احداث شوند. علت همین است که ما مدیریت صحیح و پایش دقیق نداشته‌ایم، یعنی ما مال‌مان را سفت نجسیدیم و همسایه‌مان را دزد کردیم، یعنی شما که مسئول مدیریت آب کشور هستید، باید به شکلی مدیریت کنید احدی در کشورمان نیاز نداشته باشد جاه احداث کند. آن متولی کار کارش را درست انجام ندهد و به فرد خاطی تذکر ندهد، نتیجه این می‌شود که امروز جاه‌های غیرمجاز بسیاری داریم، بنابراین من به عنوان شهروند از وزارت نیرو که متولی تخصیص و کنترل آب بوده اما نتوانسته این کار را به درستی انجام دهد، گلایه دارم. البته حقیقت این است که وزارت نیرو به‌تنهایی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. اما خودش این مساله را باید بسیار زودتر از اینها می‌فهمید و مشارکت افرادی را جلب می‌کرد که برداشت مجاز آب را دارند تا آنها در مدیریت آب شرکت کنند. کسانی که مالک آب هستند، نسبت به آن احساس مسئولیتی می‌کنند. این امر از قدیم وجود داشته است؛ اگر کسی به ملک کسی و آب قنات کسی تجاوز می‌کرد، باز سوری مردم با او برخورد جدی می‌شد. از این رو مساله جدی بود. اما آمدیم و به مالکان حقیقی آب گفتیم شما کنار بایستید؛ دولت متولی است. دولت هم وظیفه‌اش را به درستی انجام نداده است. این اصلی‌ترین وظیفه وزارت آب کشور است. البته وزارت نیرو این مساله را اخیراً پذیرفته که آب باید مشارکتی مدیریت شود اما آنچه باید اتفاق بیفتد، نهفته‌اند و هنوز فرهنگ سازی نشده و در بدنه این امر جا نیفتاده است. ابلاغیه‌های خوبی در حوزه مشارکت در مدیریت آب داریم اما تمام‌شان روی کاغذ است و در زمین واقعیتی اتفاق نیفتاده است. مادامی که این اتفاق شکل نگیرد، وضع به همین می‌ماند است. نیازیم وزارت نیرو همین فهمی که در مدیریت به‌سدت آورده به بدنه خودش آموزش دهد و کاری کرد که اهداف مدنظرمان در حوزه مدیریت آب طرف پنج سال آینده برسیم.

**به نظران به اجزای مدیریت اتخاذشده در حوزه مدیریت آب کشور تا چندسال آینده هم رسید؟**

من با رویکردی که می‌بینم، متأسفانه خیلی امید‌ندارم که مدیریت‌های کاغذی پیاده‌سازی شوند و مشکل آب کشور حل شود.

**چالش دیگری که در چندسال اخیر بریزگت تر شده مساله حقباه‌ها چه داخل و چه خارج کشور است. علن‌رغم اینکه همسایه‌ها در اختصاص حقباه کشور هم‌کاری ندارند، متأسفانه خودمان نیز در اختصاص حقباه‌هایمان به خودمان جفا می‌کنیم و حقباه‌ها در مدیریت آب کشور اولویت نیستند. این موضوع را چگونه می‌بینید؟**

مقداری از آب‌های مرزی ما از بیرون به داخل می‌آیند و بخشی هم در داخل کشورمان به بیرون می‌رود. بخشی که از داخل به بیرون می‌رود، به‌خصوص در آن بخشی که به سمت عراق می‌رود، داریم بابی را که افغانستان بر سرمان می‌آورد سر عراق می‌آوریم، یعنی سدسازی می‌کنیم. می‌دانید قوانین بین‌المللی در این خصوص برش خاصی

# فدنیوز



سه‌شنبه ۲۹ خرداد ۱۴۰۳



شماره ۴۱۶۴



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGADAILY